یادداشت

بحرانی‌تر شدن اوضاع استقلال با بسته شدن ۲ پنجره نقل‌وانتقالات؛ زخم عاشقان صندلی مدیرعاملی

اشتباه پشت اشتباه

زهره فلاح‌زاده

استقلال بار دیگر با اشتباه مدیرانی که برای رسیدن به صندلی باشگاه سر و دست می‌شکستند و بین راه همه رقیبان خود را قلع و قمع می‌کردند، آنها که بیش از آنکه توانمند در اداره باشگاه باشند، در دریافت حق و حقوق مضاعف توانمند بودند، آنها که برخلاف ادعای‌شان نه سواد نشستن روی صندلی مدیریت را داشتند و نه رزومه عالی برای تصاحب کردن آن، با بحران عظیمی روبه‌رو شده است. در تاریخ باشگاه اشتباهات بچه‌گانه‌ای که موجب وارد آمدن خسارت‌های جبران‌ناپذیر شده، کم نداشتیم؛ از ندادن لیست آسیایی در مهلت قانونی و حذف تیم از رقابت‌ها تا محکومیت‌های زیاد در کمیته انضباطی فیفا. اما بسته شدن ۲ پنجره نقل و انتقالاتی استقلال که به تازگی حکمش به باشگاه ابلاغ شده، می‌تواند بار دیگر نشان دهد مدیران سابق چه بلایی بر تن خسته تیم آورده‌اند؛ شکایتی که منتظر محمد، هافبک عراقی استقلال کرده و ۲ پنجره نقل و انتقالات تیم بسته شد. البته محمد بدون مشاوره و کمک نمی‌توانسته از بندی استفاده کند که فیفا را به صدور این حکم سنگین وادار کند. اما ماجرا این بار مثل همیشه به فسخ یکطرفه و محکوم شدن دوباره در کمیته انضباطی فیفا ختم نمی‌شود. اصل ماجرای انعقاد قرارداد با محمد جالب است. زمانی که جواد نکونام سرمربی وقت استقلال به دنبال جذب روبرتو تورس، هافبک اسپانیایی بود، علی خطیر، مدیر وقت با این بازیکن به توافق نرسید و قرار بر این شد یاسین سلمانی جانشین این هافبک شود که باز هم مذاکرات به جایی نرسید. شاید یکی از دلایل به بن‌بست رسیدن همین آوردن منتظر محمد بوده باشد، چرا که به گفته معاون وقت باشگاه استقلال، محمد طی ۲۴ ساعت و در سکوت خبری به استقلال پیوست. البته جذب این بازیکن بدون اجازه نکونام بود و با فشار مدیران مجبور به راه دادن وی به تمرین شد اما سرمربی آبی‌ها در تمرینات هم منتظر را نپسندید و اعلام کرد قرارداد بازیکن فسخ شود یا به باشگاه دیگری انتقال پیدا کند. خطیر که محمد برای او بازیکن خوش‌آتیه‌ای به نظر می‌آمد قصد فسخ قرارداد را نداشت و او را قرضی به مس رفسنجان فرستاد. عملکرد محمد در تیم مس ضعیف بود و نکونام در فصل دوم هم در وهله اول مخالف بازگشت او بود اما زمانی که مدیران دوره بعد چند بازیکن ضعیف بوسنیایی خریداری کرده بودند، حاضر شد با محمد کار کند که عملاً به دلیل پر بودن سهمیه امکان‌پذیر نبود. خطیر که در آن دوره در باشگاه نساجی به عنوان مدیرعامل حضور داشت، منتظر را با خود به این تیم برد. محمد در این تیم هم عملکرد ضعیفی داشت و آمار او نشان داد بی‌جهت نبوده نکونام به فوتبال وی اعتقاد نداشته است اما مساله مهم این است که با توجه به صحبت‌های هاشم سمیعی، مدیرعامل اسبق استقلال، علی خطیر بی‌سروصدا و در سکوت خبری قرارداد منتظر را یک سال دیگر تمدید کرده است اما بازیکنی که بدون مجوز سرمربی خریداری شده و قرضی در ۲ تیم مس و نساجی بازی کرده، به چه علت باید یک سال دیگر با آبی‌های پایتخت قرارداد داشته باشد؟ آیا این تمدید برای انجام همین شکایت و خسارت وارد کردن به باشگاه نبوده است؟ اگر قرارداد منتظر محمد یک سال دیگر تمدید نمی‌شد، استقلال حالا با شکایتی روبه‌رو نبود که با محکومیت سنگین هم مواجه شود! البته این اتفاق تلخ تنها به اشتباه فاحش خطیر برنمی‌گردد، قرارداد منتظر در دوره سمیعی حقوق‌دان(!) به طور یک‌طرفه فسخ شده و این مدیر هم با پرداخت طلب بازیکن موافقت نکرده. هر چند مدیران فعلی هم می‌توانستند این بدهی را پرداخت کنند تا با چنین حکمی روبه‌رو نشوند. به هر حال یک مدیر بازیکن متوسط بدون مجوز سرمربی آورده و مدیر بعد بدون توافق و پرداخت بدهی قرارداد را فسخ کرده است. این یعنی ناکارآمدی مدیرانی که آمدن‌شان نه‌تنها علاج درد نبوده، بلکه صرفا برای نمک به زخم پاشیدن بوده است. مدیرانی که هنوز مشخص نیست چرا سودای بازگشت به تیم را دارند و همچنان با وجود اشتباهات جبران‌ناپذیرشان در تلاشند هر طور شده به باشگاه بازگردند. چه کسی باید ناظر اعمال مدیرانی باشد که هر سال زخمی به تیم می‌زنند، دردی اضافه می‌کنند و بی‌سروصدا باشگاه را ترک می‌کنند و می‌روند؟ تا چه زمانی باید باشگاه بزرگ و پرهواداری مثل استقلال با ندانم‌کاری یکی دو مدیر دچار خسارت‌های بزرگی شود که عملاً راهی برای نجاتش نباشد؟ تا کی مدیران سابق نقش بی‌گناه را بازی کنند و کسی خم به ابرو نیاورد؟ حالا استقلال مانده و ۲ پنجره نقل و انتقالات بسته که بدون شک قراردادهای یک‌ساله بازیکنان فصل بعد به اتمام می‌رسد و برای تمدید باید بیشتر از پیش خرج کند. البته باشگاه قرار است بابت این حکم به دادگاه CAS شکایت کند؛ باید دید در آن دادگاه آیا دستور موقت صادر می‌شود یا خیر. در صورتی که دستور موقت صادر نشود، آبی‌ها راهی برای جذب بازیکن در نیم‌فصل (زمستان ۱۴۰۴) و نقل و انتقالات بعد از آن (تابستان ۱۴۰۵) نخواهند داشت.

خبر

پرتاب طلایی یاسین و سلام نظامی زرین‌تر

«یاسین خسروی» با شکست رکورد جهان، هفتمین مدال طلای ایران در رقابت‌های پارادوومیدانی قهرمانی جهان را به نام خود ثبت کرد.

در ادامه رقابت‌های پارادوومیدانی قهرمانی جهان در هند، عصر دیروز - شنبه - مسابقه پرتاب وزنه کلاس F۵۷ برگزار شد؛ جایی که یاسین خسروی ملی‌پوش کشورمان با ۹ حریف از کشورهای ازبکستان، هند (۳ نفر)، فنلاند، عربستان، برزیل، روسیه و جمهوری باکو به رقابت پرداخت. خسروی که در پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس به مدال طلا رسید و در رقابت‌های جهانی ۲۰۲۳ فرانسه و ۲۰۲۴ ژاپن نیز به مقام قهرمانی دست یافت، در رقابت دیشب عملکردی مقتدرانه داشت و وزنه را در ۶ تلاشی که داشت، به ترتیب ۱۵،۱۸ متر، ۱۵،۷۹، ۱۵،۶۵، ۱۵،۸۱، ۱۵،۹۴ و ۱۶،۶۰ متر پرتاب کرد و با بهترین عملکردش که ۱۶،۶۰ متر بود، ضمن شکستن رکورد جهان، موفق به کسب عنوان قهرمانی و مدال طلا شد.

اسپانیایی‌ها پس از انتشار صحبت‌های گواردیولا علیه جنایات صهیونیست‌ها به خیابان‌ها آمدند

تیکی‌تاکا علیه دشمن

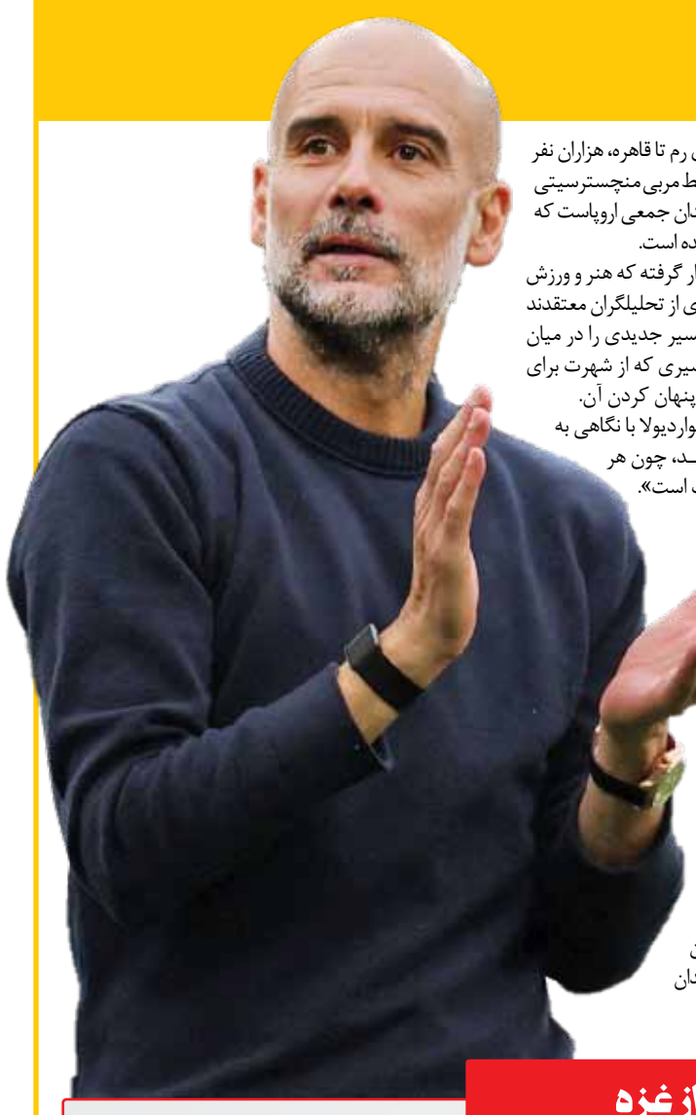

بنیافرید

در روزهایی که متاسفانه بسیاری از چهره‌های ورزشی سکوت کرده‌اند، صدایی از بارسلون برخاست که طنینش از دیوارهای استادیوم‌ها فراتر رفت. پپ گواردیولا، مربی متفکری که همواره فوتبال را فراتر از توپ و چمن می‌دید، این بار به جای خطوط تاکتیکی، مرزهای انسانیت را ترسیم کرد. او در پیامی که به زبان مادری‌اش، کاتالان، منتشر کرد، از مردم خواست در خیابان‌های شهرش جمع شوند؛ نه برای جشن قهرمانی، بلکه برای فریاد زدن علیه جنایتی که در برابر چشم جهانیان رخ می‌دهد.

او خطاب به شهروندان گفت امروز جهان شاهد «مرگی زنده» است؛ جایی که کودکان در میان آوار می‌میرند و مردمان بی‌پناه، بی‌غذا و بی‌دارو، در جست‌وجوی سرپناهی نامعلوم سرگردانند. صدای پپ، از دل فوتبال برخاست اما با روح انسانیت سخن گفت. او نه از سیاست حرف زد و نه از ایدئولوژی، بلکه از عشق به حیات و مسؤولیت اخلاقی انسان در برابر رنج دیگران.

در ویدئوی کوتاهش از شهروندان خواست در روز چهارم اکتبر، ظهر، در باغ‌های گرانسیا گرد هم آیند و خیابان‌ها را از فریاد عدالت پر کنند. او باور دارد که اگر دولت‌ها کر شده‌اند، هنوز وجدان جمعی مردم می‌تواند پژواک حقیقت باشد. «جامعه‌ای سازمان‌یافته قادر است زندگی‌ها را نجات دهد و سکوت قدرت‌ها را بشکند». این جمله‌اش چون زنگ بیدارباشی در فضای خاموش فوتبال و رسانه‌ها طنین انداخت.

پپ گواردیولا پیش‌تر نیز از رنج مردم غزه سخن گفته بود؛ زمانی در دانشگاه منچستر، با چهره‌ای اندوهگین گفت: «دیدن ویرانی غزه، قلبم را می‌سوزاند. این ماجرا بحث درست و غلط سیاسی نیست، مساله جان انسان است؛ کودکانی که در آغوش مادران‌شان جان می‌دهند و جهانی که وانمود می‌کند نمی‌بیند». او افزود: «اگر امروز از مرگ یک کودک ۴ ساله در بیمارستانی ویران بی‌تفاوت بگذریم، فردا شاید نوبت فرزند خودمان باشد».

گواردیولا از همان سال‌های بازی در بارسلونا، همیشه فراتر از چهره‌ای فوتبالی شناخته شده بود. ذهنش تحلیلگر و قلبش بی‌تاب عدالت بود. او بارها نشان داده سکوت را نمی‌پذیرد، حتی اگر هزینه داشته باشد. پپ همان‌گونه که در دفاع از استقلال فرهنگی کاتالان سخن گفت، اکنون نیز در دفاع از جان انسان‌ها، مرزهای راحتی را شکست. برای او، میدان عدالت مهم‌تر از زمین چمن است، چون معتقد است انسانیت را نمی‌توان به وقت اضافه سپرد.

انتشار ویدئوی اخیر او موجی در شبکه‌های اجتماعی به راه انداخت. بسیاری از کاربران در سراسر اروپا و حتی آمریکای جنوبی با هشتگ‌هایی در حمایت از او نوشتند و تصاویر تجمعات کوچک و بزرگ در شهرهای مختلف را منتشر کردند. بارسلونا در آن روز نه به خاطر فوتبال، بلکه به نام وجدان بیدار شناخته شد.

اما واکنش‌ها فقط از سمت هواداران نبود. برخی رسانه‌های وابسته به جریان‌های خاص، تلاش کردند موضع او را «سیاسی» جلوه دهند؛ گویی دفاع از حق حیات و فریاد علیه مرگ کودکان می‌تواند سیاسی باشد. گواردیولا اما با آرامش همیشگی‌اش پاسخ داد: «من سیاستمدار نیستم، من انسانم و وقتی انسان‌ها کشته می‌شوند، سکوت بدترین موضع است».

چنین واکنشی یادآور جمله‌ای است از خود او در مصاحبه‌ای قدیمی: «فوتبال بدون اخلاق، فقط نمایش بدن است، نه ذهن و نه روح». اکنون، همین مربی با همان باور دیرین، فوتبال را ابزاری برای رساندن پیام انسان‌دوستی کرده است. در جهانی که گاه حتی ورزش به میدان تبلیغ و منافع بدل می‌شود، پپ یادآور شد که هنوز می‌توان از چمن سبز، به عدالت اشاره کرد. پیام او مرزهای فوتبال را شکست و وارد قلمروی اخلاق شد.

از بارسلونا تا منچستر، از خیابان‌های رم تا قاهره، هزاران نفر کلمات او را بازنشر کردند. پپ دیگر فقط مربی منچسترسیتی نیست؛ او صدای بخش بزرگی از وجدان جمعی اروپاست که از تماشای بی‌پایان ویرانی خسته شده است.

امروز نام او در کنار چهره‌هایی قرار گرفته که هنر و ورزش را به ابزار بیداری بدل کرده‌اند. بسیاری از تحلیلگران معتقدند چنین موضع‌گیری‌هایی می‌تواند مسیر جدیدی را در میان ورزشکاران و هنرمندان باز کند؛ مسیری که از شهرت برای گفتن حقیقت استفاده می‌کند، نه پنهان کردن آن.

در پایان پیام ویدئویی‌اش، گواردیولا با نگاهی به دوربین گفت: «به خیابان بیایید، چون هر وجدان خاموش، بخشی از جنایت است».

همین جمله کافی بود تا هزاران نفر در فضای مجازی بنویسند: ما هم می‌آییم.

او به جهانیان یادآوری کرد که انسانیت نیاز به قرارداد ندارد. سکوت، همدستی است و اعتراض، نشانه زنده بودن. از نگاه پپ، اگر فوتبال توانسته شادی را به جهان ببخشد، پس می‌تواند فریاد هم باشد؛ فریاد برای زندگی، برای کودکی که هنوز فرصت بازی ندارد.

و شاید درست به همین دلیل است که امروز، خیابان‌های بارسلون نه با صدای تشویق، بلکه با صدای وجدان بیدارش پر شده است.

تجمع ده‌ها هزار نفر در بارسلون در حمایت از غزه

در پی انتشار ویدئویی از پپ گواردیولا، که در آن مردم را به «پر کردن خیابان‌ها برای متوقف کردن نسل‌کشی در غزه» فراخوانده بود، دیروز شنبه شهر بارسلون شاهد حضور گسترده شهروندان در حمایت از مردم فلسطین و اعتراض به ادامه محاصره غزه بود. این تجمع بزرگ در حالی برگزار شد که توقیف کاروان امدادی موسوم به «فلتیا برای غزه» توسط نیروهای اسرائیلی خشم عمومی را در کاتالونیا برانگیخته است.

به گزارش آسوشیتدپرس، ده‌ها هزار نفر از مردم با در دست داشتن پرچم‌های فلسطین و پلاکاردهایی با شعارهایی همچون «نسل‌کشی را متوقف کنید»، «آزادی برای غزه»، «نه به جنگ، بله به انسانیت» و «صلح برای کودکان» از میدان کاتالونیا تا خیابان لاس رامبلاس راهپیمایی کردند. شرکت‌کنندگان با سر دادن شعارهایی علیه کشتار غیرنظامیان، خواستار آزادی اعضای کاروان بازداشت‌شده و پایان فوری حملات نظامی در غزه شدند.

پلیس محلی شمار شرکت‌کنندگان را حدود ۷۰ هزار نفر اعلام کرد، در حالی که برگزارکنندگان رقم را بیش از ۱۰۰ هزار نفر دانستند. رسانه‌های محلی از جمله Catalan News و Cadena SER فضای تجمع را آرام اما پرشور توصیف کرده‌اند.

تظاهرات در ادامه موج اعتراضات روزهای گذشته در اسپانیا برگزار شد و یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های مردمی سال در بارسلون به شمار می‌رود. در بیانیه‌ای که در پایان تجمع قرائت شد، از دولت اسپانیا خواسته شد هرگونه همکاری نظامی و فروش سلاح به اسرائیل را متوقف کند. شرکت‌کنندگان همچنین از جامعه جهانی خواستند «برای نجات غیرنظامیان و رفع محاصره غزه» اقدام فوری انجام دهد. روزنامه ال‌پاییس نوشت این تظاهرات بدون درگیری جدی و با حضور گروه‌های مدنی، دانشجویان، فعالان حقوق بشر و نمایندگان احزاب چپ‌گرا برگزار شد. شاهدان عینی از حضور خانواده‌ها و کودکان در میان جمعیت خبر داده‌اند که پرچم‌های سفید، سبز و سیاه فلسطین را در دست داشتند و ترانه‌هایی با مضمون «امید برای صلح» سر می‌دادند.

گواردیولا، که اهل همین منطقه است، در ویدئوی خود به زبان کاتالان گفته بود: «سکوت در برابر کشتار غیرنظامیان، خیانت به انسانیت است».

به گفته ناظران، تجمع امروز بازتابی از احساسات عمومی مردم اسپانیا نسبت به وضعیت انسانی در غزه بود؛ فریادی جمعی که از ورزش آغاز شد و به صدای وجدان اروپا بدل گشت.

وقتی همه مسؤولیت گلزنی بر دوش علیپور است

توپخانه تک نفره

باربد بهراد

در لیگ برتر امسال، پرسپولیس روزهای پرالتهابی را پشت سر می‌گذارد؛ تیمی که در یک دهه اخیر ستون محکم فوتبال ایران به حساب می‌آمد، اکنون در آغاز راه با سرمربی تازه‌اش، بیش از آنکه نشانگر تغییر و تحول باشد، یادآور مجموعه‌ای از تکرارها و ناهماهنگی‌هاست.

هفته ششم هم تفاوتی با گذشته نداشت؛ تساوی برابر گل‌گهر همانقدر تلخ بود که بازی‌های بی‌رمق پیشین. اگرچه شکست‌ناپذیری ظاهراً ادامه دارد اما واقعیت درون زمین چیز دیگری است: کم‌جان، بی‌برنامه و بی‌رمق.

با این حال، میان انبوهی از سایه‌ها، تنها یک نور باقی مانده؛ مهاجمی که نامش بارها در دهان هواداران چرخیده است. علی علیپور به تنهایی بار گلزنی سرخ‌ها را به دوش می‌کشد. کافی است آمار ساده‌ای مرور شود: تمام گل‌های این فصل حاصل پای او بوده. در ۳ هفته ابتدایی و همین مسابقه اخیر، رد پایش ثبت شده است. تنها یک بار گلش ارزش ۳ امتیاز داشت و بقیه بارها، دستاوردش در میان ضعف عمومی تیم گم شد.

اینکه یک باشگاه پرهوادار و پرادعا مثل پرسپولیس، تمام امید تهاجمی خود را روی شانه‌های یک نفر بنا کند، عجیب نیست؟ طبیعتاً مهاجم برای گلزنی در زمین است اما وقتی همه ۴ گل این فصل به همین یک نفر خلاصه می‌شود، زنگ خطر بلندتر از همیشه به صدا درمی‌آید. تیمی که نتواند تنوع در حمله ایجاد کند، محکوم به گیر افتادن در تله دفاعی حریفان است. علیپور تا امروز مأموریتش را درست انجام داده اما آیا این روند پایدار خواهد ماند؟ اگر مصدوم یا محروم شود، سرخ‌پوشان چه باید کنند؟

پرسپولیس در ظاهر از ثبات دفاعی برخوردار است ولی در عمل در زمین چیزی جز بی‌روحی دیده نمی‌شود. حملات خطی، ایده‌های تکراری و وابستگی به تک‌مهاجم، نتیجه‌ای جز فرسایش تیم ندارد. گویی هر بار که توپ به سمت دروازه می‌رود، همه نگاه‌ها تنها به شماره ۹ معطوف است. این شرایط برای باشگاهی با این ابعاد، بیشتر شبیه یک عقبگرد است تا حرکت به جلو.

از سوی دیگر، علیپور نه فقط در پرسپولیس، که در جدول گلزنان لیگ هم جایگاه بالایی یافته است. آخرین پنالتی‌اش برابر گل‌گهر، نهمین ضربه موفق او از ۱۳ بار حضور پشت نقطه بود. این آمار نشان می‌دهد او یکی از آماده‌ترین مهاجمان لیگ است اما برای بازیکنی که به رؤیای حضور در جام‌جهانی می‌اندیشد، این کافی نیست. رقبای پرقدرتی در تیم ملی دارد؛ مهاجمانی که در باشگاه‌های مختلف می‌درخشند. اگر بخواهد جایی در فهرست نهایی داشته باشد، باید نه‌تنها همین ریتم، بلکه به سطحی بالاتر برود.

پرسپولیس فصل جاری بیشتر شبیه بیماری است که با یک مُسکن سر پا مانده؛ دارویی به نام علیپور اما تا چه زمانی می‌توان تنها به یک مُسکن دل بست؟ در نهایت، واقعیت این است که اگر تیم نخواهد ساختار هجومی‌اش را بازسازی کند، هیچ مهاجمی - اگر بهترین هم باشد - نمی‌تواند تنهایی بار قهرمانی را به دوش بکشد.

پشت پرده نشستن مربی خارجی روی نیمکت ایران

یار تازه

علی وحیدزاده

کمتر از یک سال تا آغاز بزرگ‌ترین رویداد فوتبالی دنیا باقی مانده و همه نگاه‌ها در ایران به سمت نیمکت تیم ملی دوخته شده است؛ جایی که هر حرکت، هر تصمیم و حتی کوچک‌ترین تغییر می‌تواند به بحثی ملی تبدیل شود. این بار نیز نامی تازه بر سر زبان‌ها افتاده است: مربی‌ای جوان از ایتالیا که سابقه همراهی با چهره‌ای چون «ژوزه مورینیو» را در کارنامه دارد و ممکن است بزودی به جمع دستیاران سرمربی تیم ملی ایران اضافه شود. پرسش اصلی اما این است: آیا این انتخاب می‌تواند کمکی به مجموعه باشد یا برعکس، بار تازه‌ای بر دوش نیمکت ملی خواهد شد؟

■ زمینه‌چینی تغییر

نمایش اخیر تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات دوستانه بین‌المللی و رقابت‌های منطقه‌ای، پرسش‌های زیادی درباره کیفیت کادر فنی ایجاد کرد. در غیاب بسیاری از بازیکنان اصلی، نتیجه و نوع بازی‌ها موجب شد شماری از رسانه‌ها و تحلیلگران لب به انتقاد بگشایند. همین فضای انتقادی فرصتی شد برای طرح پیشنهاد تقویت نیمکت فنی با مربی خارجی، تا شاید سطح تجربه و دانش مربیگری در تیم ملی بالاتر برود.

■ گزینه‌ای با گذشته درخشان

«سالواتوره فوتی» مردی ۳۷ ساله که در سال‌های اخیر در تیم‌های بزرگ اروپایی حضور داشته، حالا به‌عنوان یکی از انتخاب‌های جدی مطرح است. او مسیرش را از تیم‌های رده میانی ایتالیا آغاز کرد و کم‌کم پایش به باشگاه‌های معتبری چون میلان و تورینو باز شد. شهرت اصلی او اما زمانی شکل گرفت که در رم دستیار مورینیو شد. در مقاطعی حتی به دلیل محرومیت سرمربی پرتغالی، خودش کنار زمین هدایت تیم را بر عهده گرفت و نشان داد تنها یک کمک‌مربی نیست.

پس از آن، فوتی همراه مورینیو به ترکیه رفت و یک سال در فنرباغچه تجربه‌ای متفاوت اندوخت. حالا اما با جدایی آقای خاص از این باشگاه و حضور در بنفیکا، فوتی ترجیح داده همراه او به پرتغال نرود و در جست‌وجوی چالش جدیدی است. همین نقطه، فرصتی برای فوتبال ایران به شمار می‌آید.

■ چالش مالی و بودجه

ورود مربی خارجی به فوتبال ایران همواره با دغدغه مالی همراه بوده است. رقم‌های نجومی‌ای که در رسانه‌ها مطرح می‌شود، اغلب با واقعیت بودجه فدراسیون همخوانی ندارد. برخی گمانه‌زنی‌ها از قرارداد چند میلیون دلاری سخن گفته‌اند اما منطقی به نظر نمی‌رسد برای یک دستیار چنین هزینه‌ای پرداخت شود، بویژه وقتی رقم دستمزدش از سرمربی تیم ملی هم فراتر رود. چنین اتفاقی در فوتبال جهان نیز کم‌سابقه است و به همین دلیل احتمالاً اگر انتقال فوتی نهایی شود، قرارداد او رقمی معقول خواهد داشت.

■ سرنوشت دستیاران فعلی

حضور چهره‌ای تازه روی نیمکت، معمولاً به معنای تغییر در ترکیب موجود است. اکنون نیز زمزمه‌هایی درباره احتمال کنار گذاشته شدن یکی از دستیاران ایرانی یا حتی دستیار خارجی فعلی شنیده می‌شود. سرمربی تیم ملی در موقعیتی قرار دارد که باید بین وفاداری به همکاران قدیمی و افزودن تجربه تازه، تعادل برقرار کند. روشن است اگر فوتی وارد تهران شود، باید جایگاهی مشخص روی نیمکت داشته باشد و این موضوع بدون بازتعریف وظایف سایرین ممکن نیست.

■ نقش و تأثیر احتمالی

طرفداران جذب فوتی معتقدند تجربه او در کار با مربیان بزرگ و حضور در تیم‌های سطح بالای اروپا می‌تواند برای ایران سودمند باشد. او نه‌تنها با متدهای نوین تمرینی آشناست، بلکه در کنار مربیانی چون مورینیو یاد گرفته چگونه فشارهای رسانه‌ای و مسابقات بزرگ را مدیریت کند. از سوی دیگر، مخالفان می‌گویند آوردن یک مربی تازه تنها زمانی مفید است که فرصت کافی برای اثرگذاری داشته باشد. با توجه به تقویم تیم ملی، فوتی اگر هم بیاید تنها در چند اردو و مسابقه دوستانه پیش از جام‌جهانی فرصت کار خواهد داشت.

■ زمان‌بندی عجیب حضور

طبق برنامه‌های موجود، او حتی در اردوی پیش رو نیز حضور نخواهد داشت و از اردوهای بعد به تیم ملی ملحق می‌شود. به عبارت دیگر، در ماه‌های باقیمانده تا جام‌جهانی تنها در چند مقطع محدود کنار تیم خواهد بود. همین امر پرسش‌برانگیز است که آیا چنین فرصتی برای ایجاد تغییرات واقعی کفایت می‌کند؟

■ معادله حساس نیمکت ایران

نیمکت تیم ملی ایران همواره صحنه کشمکش بوده است؛ میان کسانی که خواهان استقلال کامل سرمربی ایرانی هستند و گروهی که اعتقاد دارند تنها با کمک متخصصان خارجی می‌توان سطح کار را بالا برد. اکنون ورود احتمالی فوتی این معادله را پیچیده‌تر می‌کند. آیا او یک یاری‌گر کارآمد خواهد بود یا جرقه‌ای برای اختلافات تازه؟

■ سایه مورینیو

حضور در کنار مربی بزرگی چون مورینیو بی‌شک یک امتیاز بزرگ است. فوتی نه‌تنها در تمرینات روزانه، بلکه در شرایط واقعی مسابقات تجربه‌اندوزی کرده است. برخی رسانه‌های خارجی حتی از او به عنوان یکی از مربیان آینده‌دار ایتالیا یاد می‌کنند.

همین سابقه، موجب شده هواداران فوتبال ایران امیدوار باشند ورود او بتواند نگاه تازه‌ای به تیم ملی تزریق کند.

■ چالش زبان و فرهنگ

یکی از موضوعات همیشگی در همکاری با مربیان خارجی، مسأله ارتباط است. زبان مشترک و تفاوت‌های فرهنگی گاهی مانعی بزرگ می‌شود. اگرچه فوتی جوان است و احتمالاً با زبان انگلیسی آشناست اما هماهنگ شدن با بازیکنان ایرانی و سازگاری با فضای خاص فوتبال ایران نیازمند زمان خواهد بود؛ زمانی که چندان زیاد نیست.

■ فشار افکار عمومی

نمی‌توان نادیده گرفت هر تغییری در کادر فنی تیم ملی ایران به سرعت زیر ذره‌بین رسانه‌ها و مردم می‌رود. تجربه نشان داده حتی انتخاب کوچک‌ترین جزئیات نیز می‌تواند به موضوعی جنجالی بدل شود. حالا نیز ورود یک ایتالیایی جوان، خواه‌ناخواه با مخالفت و موافقت همزمان روبه‌رو خواهد شد. برخی آن را نشانه بلندپروازی و آینده‌نگری می‌دانند و گروهی دیگر آن را هزینه‌ای اضافی و بی‌فایده تلقی خواهند کرد.

■ فرصت یا تهدید؟

در نهایت باید پذیرفت حضور فوتی می‌تواند هم به عنوان فرصتی برای ارتقای دانش فنی کادر ایران دیده شود و هم به عنوان تهدیدی برای ایجاد تنش و ناهماهنگی در گروه. سرنوشت این تصمیم بیش از هر چیز به مدیریت سرمربی تیم ملی بستگی دارد؛ اینکه چگونه بتواند وظایف را تقسیم کند و فضای همکاری مثبت ایجاد نماید.

با نزدیک شدن به جام جهانی، هر حرکت در مسیر آماده‌سازی تیم ملی ایران اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. انتخاب سالواتوره فوتی به عنوان دستیار جدید امیر قلعه‌نویی اگر به درستی مدیریت شود، می‌تواند تجربه ارزشمندی را وارد تیم کند اما اگر تنها به‌عنوان یک نام خارجی پرطمطراق باقی بماند، شاید چیزی جز حاشیه به همراه نداشته باشد.

به هر حال، چشم‌ها به فدراسیون و تصمیم نهایی سرمربی دوخته شده است؛ تصمیمی که می‌تواند چهره نیمکت ملی را دگرگون سازد و مسیر تیم را در راه جام‌جهانی روشن‌تر یا مبهم‌تر کند.